



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۳ / ۱۱

یونس نگاه

۵۶ ساله

مجتبی خامنه‌ای و ملا هبت‌الله همسن و سال‌اند. سخن‌گوی طالبان یکبار در سال‌های اخیر از سن رهبر خود یاد کرد و آن را ۵۶ یا ۵۷ گفت. یعنی تفاوت زیادی بین سن این دو وجود ندارد. هبت‌الله آخذزاده شاید یکی دو سال کلان‌تر باشد.

برای این دوران که مردم، بخصوص حاکمان، به دوا و درمان کم‌پیشینه دسترسی دارند و کیفیت مواد غذایی و اطلاعات از چندوچون بدن بهبود یافته است، این سن اوج پختگی آدم‌هاست. تجربه و روابط انسان در این سن عمیق‌تر می‌گردد، و ذهن و تن نیز در ترکیب موثر مهارت و قدرت قرار دارد. آن‌که سی سال یا بیشتر در کاری تثبیت دوام‌دار داشته و در این سن فرصت اعمال مهارت‌هایش را بدست آورده باشد، اگر دوام بیاورد اثر جدی بر روزگارش به‌جا خواهد گذاشت.

این دو تن بر راس نظام‌هایی قرار گرفته‌اند که اگر با مرگ طبیعی نمیرند یا به اجبار از قدرت رانده نشوند، سه یا چهار دهه بر مسند قدرت باقی خواهند بود و جامعه را مهندسی خواهند کرد.

برخی می‌گویند مجتبی خامنه‌ای با مسایل روز درگیر بوده و احتمالاً برای بقای قدرت خود و متحدانش، و نیز برای جلوگیری از شکست جمهوری اسلامی، دست به اصلاحات خواهد زد. ولی این کار آسان نخواهد بود. جمهوری اسلامی زیر بار سنت‌ها، قراردادهای ریشه‌ها، روابط و سازمان‌هایش چنان سنگین شده که تغییر مسیر آن برای حتی افراد قدرتمندی چون مجتبی خامنه‌ای بسیار پر ریسک به‌نظر خواهد آمد.

در افغانستان پس از نزدیک به پنج دهه تنش و بحران، تمایل جدی به ثبات وجود دارد. این که مردم حتی بسته بودن مکاتب و تعطیلی همه آزادی‌های مدنی خود را در بدل سکوت تفنگ‌ها و خاموشی جدال‌های سیاسی با آه و ناله تحمل می‌کنند و دست به اعتراض پرخطر نمی‌زنند، فرصتی برای ملا هبت‌الله شده است تا بر کارت «ثبات» اش محکم و انعطاف‌ناپذیر تکیه کرده ملت افغانستان را برای سه یا چهار دهه در باتلاق امارت اسلامی متوقف سازد.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

شرایط منطقه‌ای هم برای تغییر چندان مهیا نیست. تهاجم امریکا و متحدانش در این چند دهه و آشوب‌های ناشی از آن از یک‌سو به تندروی مذهبی دامن زده و از سوی دیگر تمایل به ثبات استبدادی را بین عوام تقویت نموده است.

خوش‌بینی بخشی از جامعه ایران به نتایج بم و راکت خارجی با ادامه جنگ به ترس از فروپاشی بدل خواهد شد. آن‌گاه ثبات استبدادی و امنیت زیر سایه ولایت فقیه برای جامعه‌ای در حال فروپاشی و سوسه‌برانگیز خواهد نمود. اگر مجتبی خامنه‌ای و جمهوری اسلامی‌اش از تهاجم اسرائیل و امریکا کوفته و زخمی زنده بیرون شوند، برای یک نسل دیگر ادامه استبداد در ایران تضمین خواهد شد. آنانی که در افغانستان و ایران تغییر می‌خواهند باید در درون جامعه و فراتر از دنیای مجازی وارد رقابت شوند. به عوامل خارجی امید نبندند. کار دوامدار و تغییرات تدریجی را ارزش بدهند. اگر ایده و برنامه‌ای دارند برای تحقق آن در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند. کشال‌شدن به بم ترامپ یا چشم دوختن به راکت‌های پاکستانی بی‌ثمرترین و زشت‌ترین کار سیاسی در شرایط کنونی است.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین